Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research
Vol. 14, No. 3, Spring 2023, 109-129
DOI: 10.21859/priw-140305

Influence of disappearance of imam in religion government in Iran

Parisa Amirifard[1]

Date of Received: 2024/03/17 **Date of Acceptance**: 2024/08/08

Abstract

The occultation of the twelfth Imam and the issue of his occultation until the promised time had important consequences for the Shiite world. In fact, this issue meant the beginning of a socio-political life without the physical presence of the Imam. The beginning of a life without the physical presence of the Imam among the Shiites also meant a beginning; the beginning of questions and concerns such as how the Shiite community would be governed around him in the absence of the Imam and what duties the Shiites would have during the occultation period? Considering the importance of this issue and its impact on the socio-political life of the Shiites, what preparations were made for this beginning? What are the components of forming a government based on the idea of occultation? Specifically, how does the government use the idea of occultation in the absence of the absent Imam? What are the socio-political components of the government based on the idea of occultation, and how can this idea be a beginning for manifestation in the life of the Shiites by rethinking the idea of occultation in the new century of the 15th century? This research emphasizes the "beginning" of Shiite life without the presence of the Imam in the government, considers the independent variable as the idea of occultation and the dependent variable as the formation of the government, and with a descriptive-analytical method and collection of library resources,

1. Assistant Professor, Department of Political Science, Yadgar Imam Shahrari Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. t.daniali@yahoo.com

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

[DOI: https://doi.org/10.22034/priw.16.3.7]

seeks to answer the question: What socio-political tradition has the history of the occultation of Imam Mahdi (a.s.) placed believers in the idea of occultation in, based on the continuation of his life during the occultation? This tradition has had its believers since the beginning of the Great Occultation until now, and generation after generation and heart to heart, the idea of occultation has given meaning to Shiite life based on the idea of Imamate and leadership among Shiites.

Keywords: Philosophy of expectation, Philosophy of beginning, Imam Mahdi, political rationality. government. sheiate, contemporary age, big absence

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

[DOI: https://doi.org/10.22034/priw.16.3.7]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال چهاردهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳، صص ۱۲۹ – ۱۰۹

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۴۰۳۰۵

تاثیر اندیشه غیبت بر شکل گیری حکومت در ایران پس از انقلاب

پریسا امیری فرد[۱]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۸

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

[DOI: https://doi.org/10.22034/priw.16.3.7]

چکیده

غیبت امام دوازدهم تا زمان وعده داده شده پیامدهای مهمی برای جهان تشیع بهدنبال داشت. در واقع، این مسئله بهمعنای آغاز حیات سیاسی- اجتماعی بدون حضور فیزیکی امام بود. آغاز زندگی بدون حضور فیزیکی امام در میان شیعیان بهمعنای یک آغاز نیز بود؛ آغاز پرسشها و دغدغههایی از ایندست که در غیاب امام جامعه شیعیان چگونه بر مدار ایشان اداره شود و شیعیان در دوره غیبت چه وظایفی برعهده دارند؟ با توجه به اهمیت این موضوع و تأثیر آن را برحیات سیاسی - اجتماعی شیعیان در واپسین روزهای غیبت صغری و انکار رویت از سوی نایب خاصه حضرت مهدی(عج)، چه تمهیدی برای این آغاز اندیشیده شد؟ یکی از ویژگی های اندیشه غیبت، تشکیل حکومت های شیعی است. چگونه حکومت در غیاب امام غایب از اندیشه غیبت استفاده می کند؟ در سده جدید در قرن ۱۵ این اندیشه چگونه می تواند آغازی برای تجلی در حیات شیعیان با بازاندیشی همراه باشد؟ این تحقیق بر «آغاز» حیات شیعه بدون حضور امام در حکومت به عنوان تحلیل خود اصطلاح «آغاز» تاکید دارد، متغیر مستقل را اندیشه غیبت و متغیر تابع را شکل گیری حکومت در نظر می گیرد و با روش توصیفی- تحلیلی و گردآوری منابع کتابخانه ای در صدد پاسخ به این سوال است که تاریخ غیبت حضرت مهدی»عج» بر پایه استمرار حیات ایشان در دوران غیبت، معتقدان به اندیشه غیبت را در چه سنت اجتماعی- سیاسی قرار داده است؟

واژه‌های کلیدی: عقلانیت سیاسی، فلسفه آغاز، انتظار، اندیشه سیاسی شیعه

۱. استادیار گروه جغرافیا- برنامه‌ریزی روستایی، واحد یادگار امام خمینی(ره) شهرری،دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،ایران.
t.daniali@yahoo.com

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

طرح مسئله

نقادی وضع کنونی جز با ارزیابی مجدد دانش و میراث سیاسی که در اسلام دوره میانه تأسیس شده و سلطه مفاهیم آن ذهنیت امروز را تعین بخشیده است، ناممکن می‌نماید. در دورانی که ما زندگی می-کنیم ادبیات سیاسی بیش از هر زمان دیگری، به‌جای جست‌وجوی گریزگاه و گسست از سنت، نیازمند جایگاه و پایگاهی مناسب در سنت از یک‌سو، و تمهید سبک و سیاقی در درون همان سنت - برای جهان-زیست خود - از سوی دیگر است تا بتواند به غربال و بازپرداخت اساسی در ساحت اندیشه و سنت بپردازد (فیرحی، ۱۳۸۲: ۱۲).

برپایه اندیشه غیبت در دوره حیات شیعه در سده های گذشته، انتظار فرج، ادعای رویت، اعتقاد به تولد حضرت مهدی و اثبات حیات ایشان در دوره غیبت کبری، عدم اتقان به وجود ایشان در شرایط یاس و ناامیدی جامعه، حیات اجتماعی و طلیعه انقلاب، استمداد و استعانت از وجود ایشان در حیات شیعیان، ادبیات فقهی، فلسفی و فرهنگی و اجتماعی در مورد حضور و ظهور و غیبت ایشان، نیابت عام علمای شیعه و تاریخ شکل گیری اجتهاد بر پایه اندیشه غیبت، مباحث مربوط به ظهور ایشان ، تعداد یاران، ویژگی های ظهور و اختصاصات زمانه غیبت، اختصاصات زمانه انتظار و فلسفه انتظار، ویژگی های شیعیان منتظر، رویت ایشان از ناحیه علما و یا افرادی وارسته جامعه و شرح دیدار و خبر رساندن بر رویت، معجزات ایشان و اهمیت تجلی در مراتب کسب دانش از ناحیه ایشان و استنادات علمی و اخبار به این علم، اندیشه معرفت شناختی تجلی و حضور امام در زندگی در مراتب عرفان، اهمیت تزکیه و مراقبه برای شناخت اهمیت حضور ایشان در دوران غیبت، از جمله ادبیاتی است که در صورتبندی حیات اجتماعی شیعیان وجود دارد.

اندیشه غیبت در حکومت ایران پس از انقلاب با مضمون مبارزه با فساد و ظلم در ادبیات انقلاب ترویج و تبلیغ شد. عمده این مضمون این بود که در جامعه شیعیان فساد شاه، جامعه فاسد را میان شیعیان گسترش داده است و اندیشه اصلاح و وجود مصلح آیا نمی تواند ایمان را در بین شیعیان گسترش دهد؟ اندیشه اصلاح و مصلح جهانی که فساد را با جایگزینی جامعه مومنانه به پیش برد ، با اندیشه غیبت به صورتبندی جامعه وارد شد. این اندیشه در دوران انقلاب ، قابلیت زیادی برای اصلاح و گسترش عقیده و ایمان در میان افراد جامعه داشت. بعد از انقلاب اندیشه غیبت در مبارزه با ظلم و فساد به اندیشه و فلسفه انتظار متحول شد. انتظار و سازندگی جامعه برای آمادگی و مهیا شدن برای ظهور.

در آغاز سده ۱۵ و در قرن جدید ، چگونه این اندیشه با ادبیات مبارزه با ظلم و فساد می تواند قابلیت "آغاز" داشته باشد. این اندیشه در بازاندیشی حیات اجتماعی شیعیان در دوره حکومت اسلامی نضج و

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOI: https://doi.org/10.22034/priw.16.3.7]

گسترش زیادی داشته است . آغاز در این اندیشه برای قرن جدید را چگونه می فهمیم ؟ این "آغاز" در چه معانی می تواند در دوره جدید قابلیت مبارزه با فساد و ظلم را داشته باشد؟

۱- مروری بر اندیشه امامت و رهبری در جامعه مسلمان:

غیبت امام دوازدهم پیامدهای مهمی برای جهان تشیع به‌دنبال داشت. در واقع، این مسئله به-معنای آغاز حیات سیاسی- اجتماعی بدون حضور فیزیکی امام بود.

نضج و تکوین عقل شیعی در عصر غیبت ثانی براساس میراث به جامانده سنت اجتهاد شیعی، تدارک بنیان های عقلانیتی را انجام داد که حیات اجتماعی و حیات نخبگان دینی مجتهد را به‌وجود آورد. در مسئله غیبت یک قاعده کلامی هم وجود داشت. اولین و نخستین متفکران عقلی‌مشرب که بعدها تحت عنوان سنت عقل‌گرایی مطرح شدند نسبت به مسئله غیبت تلاش کردند به قاعده لطف و فیض امام غایب تمسک جویند. امکان برقراری ارتباط و ادعای ارتباط وجود نداشت و در تکذیب این ادعا، تقیه تکوین یافت و بن‌مایه‌های اصول عقلی که تدارک می‌دید بر اساس تقیه بنا می‌شد. از نظر ایشان امام غایب نمی‌تواند شیعیان خود را رها کند و مسئله دین را واگذارد. بر امام غایب واجب بود که نسبت به مسئله دین در عصر غیبت صرف نظر از ادعاهای واهی رویت و تکذیب چاره و راه‌کاری داشته باشد. در این نخستین نسل از قدما شروع به تکوین اصول عقلی و اجتهادی خود صرفاً در رابطه با معتقدان غیبت کردند. وظیفه امام معصوم در هدایت جامعه مومنان به نضج عقل اجتهادی منتهی شد .

عمده‌ترین بحث در خصوص تقیه شیعیان، جریان‌شناسی چهار دهه آغازین بعد از رحلت پیامبر بود. عنایت در کتاب اندیشه سیاسی در اسلام معاصر به این جریانات اشاره می‌کند و انگشت تأکید بر اندیشه و عملکرد گروه اقلیتی می‌گذارد که همان شیعیان بودند. (عنایت، ۱۳۶۲: ۲۳). اینان امامت را رکن اساسی و اصلی می‌دانستند. در واقع، بحث شیعه راجع به امامت، مساله رهبری امت را حیاتی‌تر از آن می‌دانست که به رأی و نظر افراد عادی که ممکن است شخص ناصالحی برای این مقام برگزینند، وانهاده شود؛ البته فقط خداوند از صفات علم وعصمت در افراد با خبر است و امام از صفات علم و عصمت برخوردار است (همان، ۲۴). در زمان غیبت کبری علما یا مجتهدان این بحث را گسترش دادند که مسئله اولی و ترک اولی با علم و عصمت امام چه نسبتی دارد.

براساس اندیشه شیعه، وجوب عقلی حضور امام در قاعده لطف متجلی می‌شود. اساس عقلی این قاعده آن است که صلاح و سعادت انسان را خدایی که آفریده می‌داند و نصب امام لطفی از جانب

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOI: https://doi.org/10.22034/priw.16.3.7]

خداست؛ خدایی که انسان را می‌آفریند تحصیل غرض واجب است. تحصیل غرض واجب یعنی لطفی که تکلیف واجب را تحصیل کند. استدلال خواجه نصیرالدین طوسی آن است که نه تمکین و نه الجاء و نه الزام هیچ‌یک ترک معصیت و فساد و نزدیک‌سازی به طاعت را در پی ندارد، درک این فساد و ترک آن و نزدیک شدن به واجب خدا بدون وجود امام امکان ندارد. مردم خطاپذیرند و بر اساس آگاهی خود عمل می‌کنند اما خداوند خطاپذیر نیست. آنچه وجوب انجام واجب و تکلیف چگونه انجام دهیم هنگامی که امامی نباشد؟ خداوند چرا می‌خواهد ما بدون وجود پیامبر و امام چنین تکلیفی که در زمان پیامبر گذاشته انجام دهیم؟ آیا بعد از پیامبر مادام تکلیف باقی است؟ چون تکلیف بعد پیامبر موجود است امام باید مطلوب ما باشد. مطلوب شرایط امکان وحدت، عصمت، علم، شجاعت، فضل و کمال ظاهری و باطنی را داشتن است. از سوی دیگر نص بر نصب امام وجود دارد. در قرآن استناداتی چون آیه ولایت، تطهیر، اطاعت اولی الامر، مودت ذی القربی وجود دارد که بر نظریه امامت شیعه استناد دارد. امام معصوم است و خطاناپذیر، امام حافظ شریعت است.آیه امامت بعد از نبوت حضرت ابراهیم گواه عصمت امام است.

در مقابل، گروه دیگری که اکثریت مسلمان را تشکیل داده‌اند، امامت و تشکیل نظام سیاسی را واجب کفائی می‌دانند. اینان که سنی یا اهل سنت نامیده می‌شوند، تعیین حاکم بعد از پیامبر را برعهده خود مردم قرار دادند. سومین جریان در طول تاریخ نیز خوارج نامیده شد که موجب اولین شقاق در امت مسلمانان بودند و اساسا خروج و انشعاب را از آن شرایط را مجاز می‌دانستند. هواداران این جریان در الجزایر، تونس، عمان و شرق آفریقا به صورت‌های گروه‌های پراکنده حضور داشته‌اند. درباره وجوب رهبری و تأسیس نظام سیاسی در میان اهل سنت، تقریبا اجماع وجود دارد و فقط عده کمی همچون قاضی عبدالجبار و بعضی از خوارج و نیز ابی‌بکر اصم در همین زمان تردید در این اجماع دارند و نظریه عدم وجوب را مطرح کرده‌اند (فیرحی، ۱۳۹۱: ۷۴). گروهی از اهل سنت تأسیس نظام سیاسی را واجب عقلی می‌دانند. یکی از مهمترین این افراد ابوعثمان عمرو بن بحر جاحظ است. در کنار این جریانات متفکرانی چون معتزله قرار داشتند که در قرن دوم هجری براساس رابطه میان عقل و وحی مکتوباتی از خود به‌جا گذاشتند. جاحظ، متفکر برجسته معتزلی در قرن سوم، استدلال عقلی بر وجوب امام و ضرورت نظام سیاسی ارائه می دهد (فیرحی، ۱۳۸۲: ۷۵). عبدالجبار در برابر نظر او به سه مساله اشاره می‌کند: چرا مومنان بدون وجود امام قادر به انجام تکالیف و تشخیص منافع و مضار خود نیستند اصل تمکین؟ بر اساس اصل بیان چرا وجوب عقلی امام بر اساس حجت امام به بیان و تبیین احکام الهی است و امام حجت الهی است و زمانه هیچ‌گاه از حجت خالی نیست؟ و بر اساس اصل وجوب عقلی لطف چرا خداوند برای تامین و

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOI: https://doi.org/10.22034/priw.16.3.7]

تضمین مصالح انسان برای آنها امام قرار می‌دهد؟ عبدالجبار این سه اصل را نقد و نظریه وجوب شرعی/ سمعی را مطرح می‌کند. ابن‌فراء حنبلی واضع این نظریه است و بر اساس نظر وی و ماوردی عقل را ناتوان از تشخیص وجوب و اباحه، حلال و حرام می‌داند. بر اساس نظر ایشان، شرعیات تعبد دارند در برخی موارد و چگونه ما عقل را در آنها به کار بگیریم. اقامه حدود و تنفیذ احکام و پذیرش رای امام تعبدی و تفویضی است نه عقلی. فیرحی اضافه می کند که جمهور اهل سنت در میان معتزلیان و شافعی و حنبلی از ادله عقلی فاصله می گیرند و به دلایل سمعی و نقلی از قرآن استناد می کنند.

این نوع تفکر در دوران غیبت سیطره و استیلا دارد و تحت تاثیر نگاه اهل سنت است. اما اخوان- الصفا جریان فکری دیگر بود. در قرن سوم و چهارم هجری زندگی می‌کردند و با شیعیان اسماعیلی ارتباط داشتند. عمده عقیده ایشان نظریه صدور یا فیض بود. در چنین زمانه‌ای نوع زندگی غیبت بزرگ آغاز شد. مهمترین علت در این تمایز نظریات در خصوص جانشینی پیامبر را نصر حامد ابوزید چنین توضیح می‌دهد: اهل سنت بر نظریه سمعی تاکید دارند و این بحث بر اساس درکی از نص متن مکتوب مقدس مسلمانان است که حاوی این نکات است : بازنگاری تاریخ قرآن در میان اهل سنت در «کشاکش تعدد و اختلاف قرائات گره خورده است». جمع نخست قرآن در زمان خلیفه نخست تدوین و یکپارچگی به شمار نمی آمد، بلکه صورت ابتدایی تدوین داشت. جمع دوم قرآن در زمان عثمان نخستین کوشش در تدوین و یکپارچگی قرآن بود چه مصحف عثمان متن معتبر و رسمی شد و مصاحف دیگر همه سوزانده شد. اما شیوه کتابت و خط عربی در آن دوره متنی از قرآن را پدید آورده بود که هیچ‌کس نمی‌توانست به تنهایی قرآن را از روی مصحف بخواند، بلکه می بایست از محفوظات پیشین خود یا دیگران کمک بگیرد. علت آن بود در شیوه نگارش حروف، به‌دلیل عدم وجود نقطه هنوز تمایزی میان حروف وجود نداشت ... ابن‌مجاهد در قرن چهارم هجری قرائت‌های فراوان را به هفت قرائت فروکاست و باقی آن ها را شاذ و نادر به‌شمار آورد (ابوزید، ۱۳۸۹: ۳۱). قرآن نیاز به تفسیر از ناحیه امام داشت تا قرائت صحیح باشد.

اما علت تمایز مسلمانان جز نص که به آن استناد می‌کردند «مصلحت» جامعه مسلمان بود. مصلحت تابع یک عقل است که آن را تشخیص دهد. ارکان عقل سیاسی در اسلام را عابد جابری چنین مطرح می‌کند: آیا شناخت مصلحت یک تشخیص عقلی نیاز دارد یا نه؟ این عقلی که این مصلحت را تشخیص داد چه مؤلفه‌هایی داشت؟ عقیده، قوم وقبیله و عصبیت بنیان های یک عقل در این زمانه است که البته برخی غنیمت را هم به آن اضافه می‌کنند. عقلی که مصلحت را تشخیص داد در این زمانه مولفه‌هایی دارد، اما این عقل مورد تعبد قرار می‌گیرد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

[DOI: https://doi.org/10.22034/priw.16.3.7]

علت تمایز دیگر تعبد از این عقل است؛ کدام خلیفه و کدام امام؟ تعبد دائر مدار چه فرآیند ادراکی درونی و بیرونی است؟ تعبد بر اساس اندیشه صدور و فیض است. نفس چگونه تعبد دارد؟ عقل چگونه تعبد دارد؟ انسان چگونه تعبد دارد؟ روان این انسان چگونه تعبد دارد؟ تعبد حس است؟ شناخت و ادراک فرد و عقل او چگونه تعبد را در پی دارد؟ مسئله شناختی است؟ رابطه محسوسات است؟

تعبد اصطلاحی در فرهنگ اسلامی که ناظر به بندگی خالصانه و اطاعت بی‌شائبه انسان نسبت به خداوند است. پس نص نخستین گردآوری شده در زمان عثمان است و تمایز دیگر تشخیص عقلی است که مصلحت‌بینی می‌کند که مؤلفه‌های عصبیت، قوم‌گرایی و عقیده و غنیمت را دارد و تمایز دیگر تعبد از چنین مصلحتی است. رنج کشیدن، بیماری، اندوه، غم و محسوسات و حس‌کردنی‌ها و فقدان‌ها و فراق‌ها گسست و تعقل را موجب شد.

این بحث ها اساس وجود امام و نصب ایشان را مطرح می کرد و در مقابل در میان اهل سنت تعبد، مصلحت و مولفه های دیگر را مطرح می شد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال چهاردهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳

۲- اندیشه غیبت و تکوین عقل شیعی:

آغاز غیبت کبری در سال یک آغاز امتداد قرن های گذشته بود. در تکوین آغاز غیبت کبری مراحلی وجود دارد که مهم ترین نقاط عطف حیات فقه شیعی است. منابع نضج و تکوین عقل شیعی در قرآن که گفته شد به همراه سیره و حدیث به تدریج شکل گرفت.

توالی این عصرها را در حلقه‌های پیوند ابتدا از مدرسه مدینه آغاز و تا نیمه قرن دوم (دوران زندگی امام صادق) تداوم داشت. دوره اول عصر صحابه و تابعین و در مدینه است و تا زمان امام صادق (ع) استمرار دارد. در توالی این عصرها به غیبت اشاره شد . سلمان فارسی، ابوذر، ابورافع و ابن عباس مهم-ترین این افراد به شمار می‌آیند. در زمان عمر شهاب زهری دستور یافت تا سیره بنویسد. در کتابت علم حدیث میان عمر و حضرت علی اختلاف بسیار بود. سلمان از خواص اصحاب امیرالمومنین در این زمان حفظ و نقل را برعهده داشت. سپس مدرسه کوفه از قرن دوم که حلقه واسط حیات حضرت صادق (ع) است تا ربع اول قرن چهارم توالی داشت. مدرسه فقه شیعی در زمان امام صادق و امام باقر به کوفه منتقل شد. ۱۴۸ صحابه مهاجرت به کوفه کردند و در کوفه ساکن شدند. ۳۰ هزار حدیث ابان بن تغلب از امام صادق و محمد بن مسلم کوفی ۴۰ هزار حدیث از امام باقر نقل کرده‌اند. بیت آل اعین، بیت آل حیان التغلبی، بیت بنی عطیه و بین بنی دراج در میان بیوت علمی کوفه به‌عنوان شیعه ناقل حدیث شناخته می‌شوند. حرکت عقلی در این

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

[DOI: https://doi.org/10.22034/priw.16.3.7]

دوره آغاز می‌شود (عاملی، ۱۴۰۳ : ۲۳-۳۵) اولین آثار شیعی در استخراج قواعد فقهی از روایات "القواعد والفوائد" از شهید اول ۷۷۸ م به استنباط قواعد در احادیث معصومان می‌پردازد (خرمیان، ۱۳۸۷: ۳۰).

مدرسه قم و ری از در ربع اول قرن چهارم تا نیمه قرن پنجم حرکت تدریس و کتابت بود. قم از زمان حسین بن روح به مرکز مهمی در فقه تبدیل شده بود. این نائب خاص امام در قم رساله التادیب را مورد ملاحظه قرارداد. علامه حلی در من لایحضره فقیه علی بن حسین بن موسی بن بابویه المتوفی ۳۲۹ را از محدثین شیعه معرفی می‌کند. محمد بن حسن قمی در سال ۳۷۸ هم در قرن چهارم از جمله محدثین است. مدرسه قم در آغاز فترت مهمترین مدارس شیعی در فقه و حدیث است. کلینی متوفی ۳۲۹ و ابن بابویه پدر شیخ صدوق و شیخ مفید در ۳۶۹ و ابن جنید در ۳۸۱ و شیخ صدوق در ۳۸۱ بزرگترین مشایخ شیعه در این زمان هستند. قرن پنجم مدرسه دینی در دوره چهارم مدرسه بغداد است و از نیمه قرن پنجم آغاز می‌شود سپس نوبت به مدرسه دینی حله می‌رسد و تا حیات شهید ثانی تداوم می-یابد. نضج عقلانیت شیعی در این تاریخ ، با تاریخ تقیه و کتمان وانکار تا تشکیل حکومت در اندیشه اجتهادی و تکفیر مخالفان و طرد ایشان از جامعه شیعی به حلقه معرفتی ملاصدرا می رسد.

دیدگاه‌های اولیه درباره غیبت، به‌خصوص از سده دهم میلادی به بعد، به پاره‌ای از شیعیان این امکان را داد تا در حکومت‌ها شرکت جویند و تا جایی که می‌توانند آنها را از مهار کنند، هرچند در همان دوره عده‌ای دیگر از شیعیان هرگونه حکومتی را تا قبل از ظهور امام، شر و غاصب مقام وی قلمداد می-کردند و از حاکمان دوری می‌جستند. به‌قدرت‌رسیدن صفویه یکی از این مقطع‌های زمانی است که نظمی «آرمان‌گرایانه، مسیحایی و انقلابی» را به‌وجود آورد (فوران، ۱۳۹۱: ۲-۸۱).

به هر صورت، اهمیت موضوع مطالعه آن‌گاه بیشتر آشکار می شود که مسئله غیبت و انتظار در طول تاریخ یک‌بار در زمان صفویه و بار دیگر در جمهوری اسلامی ایران مبنای نظریه‌پردازی جدید و کنش قرار گرفت. در زمان صفویه شاه اسماعیل صفوی با عنوان استمداد از امام غایب مهدی قیام کرد و تشکیل حکومت داد . اندیشه ای که منابع آن در نضج عقلانیت در اجتهاد اعم از قرآن و حدیث و عقل اجتهاد تا دوره جمهوری اسلامی از ادوار پیشین توسط صفویه به حکومت راه پیدا کرد در حکومت دینی بعد انقلاب ، عقلانیت اجتهادی را به عنوان آغاز پویایی خود در جامعه قرار داد. این عقل اجتهادی برای پویایی خود به عنصر زمان و مکان استناد می کرد و اندیشه غیبت حکومت دینی را با حضور روحانیون در مبارزه و قیام ضد ظلم و فساد پادشاهی تاسیس کرد. سپس در سال های بعد از انقلاب در دوره جنگ و در سال های بعدی سازندگی و ... این اندیشه از قیام به فلسفه انتظار متحول شد.

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

[DOI: https://doi.org/10.22034/priw.16.3.7]

۳- مسئله معتقدان به غیبت و نظم اجتماعی بر اساس عقل اجتهادی پویا

صورتبندی زندگی معتقدان به اندیشه غیبت در جامعه چگونه یک فرم و صورتبندی اجتماعی دارد؟ صورتبندی زندگی «اجرای مداوم فعالیت‌های هماهنگ زندگی روزانه» ...تعاملات میان افراد و فرآیند ادراک و شناخت روزانه یک شیعه، امور عادی و تفسیر آنهاست به گونه‌ای که معنادار باشد و شواهد نظم اجتماعی را نشان دهد. (عاملی، ۱۳۹۲: ۱۸۴). فهرستی از این فعالیت‌های روزانه افراد ارائه می‌شد که از رفتار فرد آغاز و به نظم اجتماعی می‌رسید. اظهارات و فهرستی از کنش‌های اجتناب‌ناپذیر فرد در زندگی روزانه تهیه شد که به دور از دستکاری باشد. تهیه این فهرست از گفتگوهای عادی شروع شد و تا انجام مطالعات تخصصی پیش می‌رفت.

حوزه‌های دارای نظم فردی که منتهی به زندگی اجتماعی تنظیم شده می‌شدند شامل منابع مالی، مسکن و بیع و معاملات ، شرایط مسکن و همسایه، بهداشت، سلامت فردی و سلامت افراد خانواده از حیث محارم و نامحرمان، تغذیه حلال و خوراک، لباس و نوع حجاب، مذمت فقر یا تشویق ساده‌زیستی، زهد یا کفایت درآمدی در پرتو قواعد خرج و برج ، احکام طهارت و نجاست، خدمات مراقبتی و کنیز و پرستار، خدمات درمانی و طب سنتی و احکام طب سنتی و حدیث، شغل و احکام کارفرما، شرایط کار، آموزش و مکتب و مدرسه، کیفیت آموزش بانوان، نحوه بزرگ کردن فرزند، نحوه های زندگی روزمره از آداب میت تا احوال مختلف را طبق قواعد تنظیم می‌کردند که هر فرد به آنها عمل کند و جامعه تنظیم شود. به‌عنوان مثال در احکام طهارت از تعریف و کیفیت و مطهرات آغاز می‌شد تا افعال وضو و صلات و غسل و احکام مختلف مطرح می‌شد. در نماز نمازگزار از لباس و طهارت ظاهری بدن آغاز تا آداب نماز را در برمی‌گرفت و احکام اجتماعی نماز به جماعت و جمعه هم مد نظر قرار دادند. این شکل برای افراد که تنظیم زندگی را این گونه مراعات می‌کردند در صورت شریعت‌محور بود.

این نظم در زندگی با یک میراث استعمار و استبدادزده و عقب مانده در شناخت و سواد زندگی طبیعی انسان را شامل عناصر «زیستانه، طبیعی، روانشناختی، قوای ذهنی و اجتماعی قرار می داد و شاید روحی درست شده طبیعت و ماهیتی که نظم را بر آن قرار می دهند» (عالم، ۱۳۹۳: ۲۷). نظم اجتهادی فوق در جامعه با عناصر زیستانه و نیازهای فردی، روانشناختی، قوای ذهنی و اجتماعی در درک و شناخت مسائل زندگی و کانون خانواده و کار و مسائل اجتماعی و روحی از حیث روحیه و تعلقات در جامعه اعم از شخصی و اجتماعی ، اقتصادی، سیاسی و ملی و... قرار می داد. اما مسئله استبدادزدگی ساختارسیاسی و استعماری بود که منابع زندگی را با تهدید پیش می برد. این تهدید از یک سو عقب ماندگی شناختی جامعه

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOI: https://doi.org/10.22034/priw.16.3.7]

نسبت به ماهیت نظم اجتماعی درونی و داخلی و زندگی بین المللی و استعمار و ساختار استبدادزده و از سوی دیگر بازگشت به هویتی که تمدن داشت خواه ایرانی خواه اسلامی در اهداف سازندگی جامعه به سوی جامعه مدنی و تمدن بود. خشونت در سرزمین های اسلامی که میراث استبداد و استعمار و فقر و بیسوادی و ... بالا بود . روحیه عمدتا خشن و عاری از آمادگی برای ساخت یک زندگی مدنی متمدنانه .

در سرزمین های اسلامی متفکرانی ظاهر شده بودند که ساختار استعمار و استبداد را مورد تهاجم فرهنگی قرار می دادند. مسلمانان اعم از متفکران جهان تشیع و اهل سنت با خشونتی که در صورتبندی اجتماعی جامعه در میان مسلمانان مواجه بودند نگاه ها را به سمت تغییر حکومت و مبارزه با عقب ماندگی سوق می دادند.

درواقع اندیشه تقیه در امام شناسی در اندیشه غیبت ، به فساد و ظلم علیه شیعیان دامن می زد و ظلم و فساد علیه شیعیان با امام شناسی در شیعه در مفهوم تقیه در دوران معاصر تغییر یافت. روبنای زندگی شیعیان خشونت ظلم و فساد بود و خشونتی که علیه شیعیان وجود داشت به واسطه تقیه ، تاریخ اجتهاد را با مخالفان درون روحانیت و مخالفان بیرون مواجه می ساخت.

در حوزه اجتهاد شیعی ، مباحث در میان کسانی که ظلم و فساد را به تقیه تجویز می کردند موجی از رد و انکار و طرد و تکفیر و انزوای مخالفان را به دنبال داشت. در گروه دیگر ظلم و فساد در زمانه معاصر به طور مشخص در قیام امام ره به تبلیغ و تشویق به کنشگری سیاسی و تلقی سیاست به مثابه عبادت توحیدی منتهی شد. اندیشه غیبت و فرج در انسان منتظر در دوره غیبت در برابر فساد و ظلم به عنوان یک مصلح ایشان را مطرح کرد. معرفت به حضور امام غایب در حوزه اندیشه ایشان به گفته آیت الله مطهری ایشان را مسیحا کرده بود. ظلم فراگیر و فساد فراگیر و قیام علیه آن توسط یک مرجعیت دینی با اتکا به اندیشه غیبت صورت گرفت .

اندیشمندان مسلمان با طرد میراث استبداد و استعمار در مبارزه با کتاب و فرهنگ و گسترش سواد عمومی مردم و در تلاش برای بازگشت به هویت مسلمان مترقی به آبشخورهای مختلفی اشاره می کردند.

۴- بازاندیشی متفکران مسلمان درکشورهای اسلامی بر لزوم بازاندیشی صورتبندی سیاسی-اجتماعی جامعه در یک زمان در طرد بقایای استبداد و استعمار :

در کشورهای اسلامی چون مصر، عراق، ایران ، سوریه و لبنان، متفکرانی در خصوص نسبت دین و سنت همراه با تحولات جهان امروز مسئله عقب ماندگی را مورد هجمه قرار دادند. مسئله فقر بود و مسئله

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

[DOI: https://doi.org/10.22034/priw.16.3.7]

استعمار و استثمار این جوامع و نیروهای فکری که به دنبال شروع فکر کردن بودند که بر سر این جوامع از قرن چهارم چه آمد؟ غیبت برای مسلمانان در برخی کشورها با آنچه نزد شیعیان بود تفاوت-هایی داشت اما نتیجه یک مسئله بود «استعمار و عقب‌ماندگی» و آغاز »فکر». مبدأ چه بود؟ بازگشت به خویشتن؟ غایت در نوع زندگی چه بود؟ بر سر سرزمین‌های اسلامی چه آمده بود؟ سرزمین‌های اسلامی در دوران غیبت با مسائل بیشماری روبرو شده بود خصوصا نزد متفکران شیعی این مسئله یک صورت فکر جدید به خود گرفت. عقب‌ماندگی در باور و رفتار ایشان منشأ دینی و سنتی یافته است.

پس باید این تاریخ، این انسان مسلمان، این باور، این اجتماع دوباره مورد مداقه و تامل قرار می-گرفت تا سرنمون‌ها و ریشه‌های عقب‌ماندگی یافته شود. بحث بر سر چرایی عقب‌ماندگی‌ها بود. مسئله ایشان در حوزه تفکر دنبال می‌شد و کارکرد اجتماعی و جامعه شناختی را نتیجه می‌گرفت. در بازاندیشی حیات تاریخی این دوران در دهه‌های بعدی، حمید عنایت با مرور میراث سنتی و تاثیر آن بر اندیشه‌های جدید نوشت: «یکی از وظایف مبرم تجددخواهان اسلامی ازبین بردن چیزهایی است که مبانی کلامی و شرعی این رکود و بالنتیجه زبونی و ترک و تسلیم مسلمانان و مبارزه ایشان برای بیرون کشیدن همه آراء و عقاید مترقی اسلام بود تا ثابت کنند که اسلام در گوهر خویش، دین آزادی، و حامل عدالت و بهروزی برای نوع بشر است و ازسوی دیگر ارزیابی مجدد عمیقی بر رفتارها و ارزش‌ها و شیوه‌های فکری مسلمانان در تجدیدنظرطلبی یا بازنگری سیاسی داشته باشند (عنایت: ۱۳۶۲ : ۳۹).

این متفکران به استناد عقل نقاد اندیشه خود را روشنگر و آواری بر سر اندیشه «تاریک» به‌جا مانده از میراث اسلامی می‌دانستند،کتاب مقدس در نظر ایشان مرجع نهایی بود اما میراث به جا مانده طی قرن‌ها بر ذهن، باور و اندیشه مسلمانان اثرات مخربی برجای گذارده بود و نیازمند بازنگری بود.

نگاه فرهنگی به تحولات جهان اسلام در متن تغییرات بوجودآمده بسیار نادیده گرفته شده بود. ارائه تفسیرهای عقل‌گرایانه از میراث دینی، فضا و سبک زندگی در جوامع مسلمان تغییر یافته بود. با ورود تکنولوژی به این جوامع سبک زندگی و فضای اجتماعی به شدت دچار تغییر شده بود و این عامل بیرونی به همراه عقب‌ماندگی که در مسئله فوق توضیح داده شد بیش از پیش مسئله باور و عمل را در متن مناسبات زندگی روزمره به چالش کشیده بود.

در سرزمین‌های اسلامی موضوع سیاست و کنش‌گری سیاسی در مبارزه با استعمار و حکومت های دست نشانده مسئله‌ای اساسی بود. قیام‌های زیادی شکل گرفته بود اما در سبک و نوع زندگی شیعیان وجه غالب نیاز به تفکر و بازنگری داشت. عقلانیت دینی به عنوان گفتمان مقاومت دینی نیاز به مقاومت

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOI: https://doi.org/10.22034/priw.16.3.7]

داشت. این زبان از تئولوژی برخوردار بود که در گفتمان مدرن به زبان هنر و رسانه سخن آسان می‌گفت.

نسلی از روشنفکران اعم از اسلام گرا تا سکولار بر مسئله عقب ماندگی و استعمار و استبداد متمرکز شدند. نوشته های ایشان در نهجت ترجمه و اجماعی در میان اسلام گرایان شکل می داد. ترجمه ها تدریس می شد و مسئله هویت در کنار گذاشتن اختلافات مذهبی و قومی در این سرزمین ها تدریس و حمایت می شد. دشمن و استعمار و امپریالیسم جهانی مورد هجمه قرار گرفت و بنیان های آن در عقلانیت فردی در اجتماع و روحیه مبارزه علیه آنچه به عنوان سنت موجود مطلوب بود و بقایای استبداد تلقی می شد به طرد خشونت در گسترش سواد اجتماعی تبلیغ میشد. نسبت مبارزه جدید برای هویت جدید استفاده از ادبیات دین و مدرنیته ، سنت و ... بود.

در کشورهای اسلامی و نزد متفکرانی چون سیدجمال، محمد عبده، کواکبی، رشیدرضا و همفکرانشان تا متفکران دوران جدید، در نسبت‌اندیشی مسئله مدرنیته با حوزه اجتماعی و سیاسی نسلی از روشنفکرانی بودند که راه حل‌های حکومت دینی، سکولار و یا لائیسیته را پیشنهاد می‌دادند. محمد آرکون در کتاب نزعه الانسان فی الفکر العربی این سوال را مطرح کرده بود که معرفت علمی از طریق عقل و نقد آن چگونه حاصل می‌شود؟ (آرکون، ۱۹۹۷: ۴۰). فترت کشورهای اسلامی که از قرن چهارم آغاز شده و تا دوران معاصر وی به انحطاط سرزمین‌های اسلامی منتهی شده بود نیاز به تأسیس مشروعیت عقل برای وی از طریق بازنگری مفهوم انسان داشت. او در حوزه اجتماعی و در تفکرش نسبت به آن مفهوم اومانیسم را با سنت گذشته خلیفه‌الله مورد بازاندیشی قرار داد.

محمدسعید رمضان بوطی در زمینه حکمرانی از مصلحت و شریعت نوشت و درکتابش این سوال را مطرح کرد که اختلاف بین دو مصلحت چگونه به تعارض منتهی می‌شود؟ او استدلال می‌کرد: «شریعت جز بر مصلحت بندگان بر بنای دیگری استوار نیست» و این صحیح است اما زمانی که مصلحت به مثابه تفسیری از نص و اجماع و بیانگر آن است چه؟ از نظر رمضان اهل سنت نتوانسته به این مسئله در تعارض دو مصلحت پاسخ گوید (بوطی، ۱۳۸۴: ۲۸۳).

ابوزید قبل از انقلاب مصر از مفهوم النص نوشت و در نوشته خود این سوال را مطرح کرد: سرشت یا ماهیت کلام خداوند چیست؟ و یک پرسش را بالتبع آن مطرح کرد آیا می‌توان متن دینی را از هرجهت مانند متون بشری دانست؟ او پاسخ داد متن چه دینی چه غیردینی باید خواننده داشته باشد وگرنه می-میرد (ابوزید، ۱۳۸۹: ۴۰). ابوزید هرمنوتیک را در روش تحقیق در نسبت میان تفکر دینی و اجتماعی مطرح کرد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

[DOI: https://doi.org/10.22034/priw.16.3.7]

عابد جابری تکوین لعقل العربی را نوشت و در نوشته‌اش این سوال را مطرح کرد : منطق درونی عقل سیاسی در اسلام با چه ابزار و دستگاه معرفتی قابل تبیین است؟ روند معاصر بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان با سه مفهوم کلیدی پیوند یافته است: اقتصاد رانتی، رفتار مبتنی بر عصبیت و قبیله و افراط‌گرایی دینی (جابری، ۱۳۸۴: ۶۹). عابد جابری مفهوم عقل عربی را مطرح و حکمرانی را مورد نقد قرار داد.

در ایران دوران معاصر علی شریعتی قبل از انقلاب ایران چنین می‌نویسد: «در لحظه لحظه زندگی ما هر تحولی که پیش آمده این نیاز نیرومندتر شده است و احساس فوریت تصفیه طرز تفکر مذهبی و اصلاح مذهبمان شدیدتر تا بتوانیم به اسلام اولیه و به آن سرچشمه‌های نخستین و زلال اعتقادات مذهبی خودمان بازگردیم، که در اسلام هرگز اصلاح مذهبی به‌معنی تجدیدنظر در مذهب نبوده بلکه تجدیدنظر در بینش و فهم مذهب بوده است و بازگشت به اسلام راستین و شناخت روح واقعی اسلام نخستین. اصلاح فکر مذهبی حتی امروز صاحبان سنت‌گرای منبر و محراب را برآن داشته تا از مسخ شدن چهره اسلام دم زنند» (شریعتی، ۱۳۵۷: ۱۰).

و بالاخره فیرحی در کتاب قدرت، دانش، مشروعیت در اسلام نوشت: «نقادی وضع کنونی جزبا ارزیابی مجدد چنان دانش و میراث سیاسی که فقط یک بار و در دوره میانه اسلام تاسیس شده و سلطه مفاهیم آن ذهنتیت امروز را تعین بخشیده است، ناممکن می‌نماید». وی ادامه می‌دهد: «در دورانی که ما زندگی می‌کنیم ادبیات سیاسی ما بیش از هر زمان دیگری، نه در جست و جوی گریزگاه و گسست با سنت، بلکه نیازمند جایگاه و پایگاهی مناسب در سنت از یک سو، و تمهید انقلابی در درون همان سنت از سوی دیگر است تا بتواند به غربال و بازپرداخت اساسی در ساحت اندیشه و سنت بپردازد» (فیرحی، ۱۳۹۷: ۱۲).

نزد این متفکران بازاندیشی تاریخ اسلامی با مسئله «آغاز» همراه بود. آغاز چگونه باشد؟ منظور از آغاز، نگاهی به وضعیت سیاسی- اجتماعی جوامع مسلمان از یک سو و تحولات دنیای جدید از سوی دیگر بود. آغاز رویارووی با سنت اسلامی چه باشد؟ آغاز اندیشیدن پس از غیبت، عقلی را در سنت ایجاد کرد که با دانش جدید تفاوت‌های بنیادین دارد. دانش اجتهادی روحانیون حفظ شده بود و در دوره‌هایی افق‌های روشنی گشوده بود اما تحولات سیاسی- اجتماعی جوامع مسلمان با این دانش همراه بود.

موضوع کنش‌های اجتماعی-سیاسی و ارتباط آن با وضع زندگی جوامع مسلمان خصوصا شیعی بود. برخی چون فیرحی، آستانه تجدد را در دوران مشروطیت مبدا تحولات فکری می‌دانستند. عاملی دوران

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOI: https://doi.org/10.22034/priw.16.3.7]

باشکوه امپراتوری صفوی را نقطه روشنی در حکومت شیعی می‌دانست. در کتاب حکومت اسلامی امام خمینی (ره) گفته شده در دنیای امروز، به ولایت فقیه چندان توجهی نمی‌شود و احتیاج به استدلال پیدا کرده، علتش اوضاع اجتماعی مسلمانان عموما و حوزه های علمیه خصوصا می‌باشد. اوضاع اجتماعی ما مسلمانان و وضع حوزه‌های علمیه ریشه تاریخی دارد که به آن اشاره می کنم. ۱- نهضت اسلام در آغاز گرفتار یهود شد و تبلیغات ضد اسلامی و دسائس فکری آنان ۲- طوائفی که از سیصدسال پیش یا بیشتر به کشورهای اسلامی راه پیدا کردند و استعمارطلبی را تشویق کردند. در اثنای جنگ های صلیبی مبلغینی در حوزه های روحانیت درست کردند و در دانشگاه‌ها و موسسات تبلیغات دولتی یا بنگاه‌های انتشاراتی داشتند و مستشرقینی که در خدمت دولت‌های استعمارگر هستند و در تحریف حقائق اسلام کار کردند. ۳- تمدن اسلامی در آغاز ظهور پیامبر، برای همه امور قانون و آداب آورده است. برای انسان پیش از آنکه نطفه‌اش منعقد شود تا پس از آنکه گور می‌رود قانون وضع کرده است. ۴- تحمیل قوانین غربی که در عدلیه و دادگستری اشخاص مطلع شکایت‌ها دارند. رشوه دادن در دادگستری آخرش هم معلوم نمی‌شود که چه شد. احکام جزائی اسلام احکام خشنی است می‌نویسند که خشونت اعراب است که این‌گونه احکام آورده است. ۵- مجازات ده گرم هروئین اعدام است اما مجازاتش باید متناسب باشد. شرب خمر چون غربی است اشکالی ندارد، آزاد می‌خرند و می‌فروشند۶- عقب‌مانده نگه داشتن ما و موج تبلیغات ایشان علل تاریخی: عوامل داخلی: ۱-خودباختگی بعضی از افراد جامعه خودمان در برابر پیشرفت‌های مادی استعمارگران و پیشرفت صنعتی ۲- تبلیغات استعمار در اسلام (-اسلام دین قانونگزار است نه حکومت -تشکیلات حکومتی ندارد)۳ - سیاست استعمارگران در اجرای برخی عبادات و احکام اسلام (کار مسلمان جز نمازخواندن و دعا و ذکر گفتن نیست شما هرقدر می‌خواهی اذان بگو و نماز بخوان استعمارگران هیچ کاری به ما ندارند .۴- حکومت‌های دست-نشانده و مونتاژ صنایع وابسته به ایشان ۵- استبداد در کنار استعمار با توجه به این عوامل، روش و طرز تبلیغ و فعالیت خودتان را تکمیل کنید. مجموعه قانون، برای اصلاح جامعه کافی نیست. برای اینکه قانون مایه اصلاح و سعادت بشر شود به قوه اجرائیه و مجری احتیاج دارد. ماهیت و کیفیت این قوانین می‌رساند که برای تکوین یک دولت و برای اداره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه تشریع گشته است. لزوم انقلاب سیاسی رژیم حکومت و طرز اداره و سیاست بنی‌امیه و بنی عباس ضد اسلامی بود. رژیم حکومت کاملا وارونه و سلطنتی و به‌صورت رژیم شاهنشاهان ایران و امپراطوران روم و فراعنه مصر درآمد و در ادوار بعد غالبا بهمان اشکال غیر اسلامی ادامه پیدا کرد تا حالا که می بینیم».

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

[DOI: https://doi.org/10.22034/priw.16.3.7]

آغاز مبارزه با استبداد و استعمار و طرد آنها با بازیابی و بازاندیشی هویت مسلمان جدید با "آغاز" مبارزه و مقاومت در برابر امپریالیسم سیاه و سرخ ، ارتجاع در سنت ، یک "آغاز" در شکل گیری عقلی بود که در تاریخ برای خود کتاب های اندیشمندان را در اجماع برای شکل دهی مبارزه و مقاومت یک گفتار شفاهی در تدریس و تبلیغ از سوی اساتید بود. اندیشمندان مسلمان استبدادزدگی را در سنت در ارتجاع می دیدند و در مانع بیرونی استعمار. مقاومت در برابر اشکال مختلف صورت زندگی استبدادی و غربی و یا کمونیسم در شکل راست و لیبرال و یا چپ و کمونیستی شکل های مختلف مبارزه را در طیفی از رجال ایجاد کرد که به تبلیغ در میان مردم در قیام و مقاومت پرداختند.

"آغاز" قیام بود و مقاومت اما غایت در قیام زندگی توحیدی بود که در راس آن عقل جدید شیعی را نضج می داد.

"مبارزه با ظلم و فساد" و آغاز :

در آغاز غیبت این مبدأ چگونه دیده شد؟ آغاز در دیدگاه فلسفی با مفهوم غایت پیوند خورده است. در ابتدا اصطلاح «آغاز» را توضیح می‌دهیم. در میان متفکران غربی ، گادامر بعد از فروپاشی جمهوری وایمار در آلمان برای از بین نرفتن تلاش های جمهوری خوانه در آلمان و اندیشه و باوری که رهایی بخش در مقاومت برای ایجاد یک "آغاز" پس از از بین رفتن دستاوردهای یک تمدن در اروپاست این گونه می نویسد:

این آغاز برای یک رهایی بخشی در تمدن اروپا " آلمان" به چه معناست؟ گادامر متفکری است که بحث آغاز و انجام به یکی از مهمترین مشکلات در تحلیل حیات تاریخی مورد مطالعه و پژوهش قرار داده است. وی آغاز را چنین می‌داند:

۱- در نسبت با غایت‌شناسی، پایان متافیزیک می‌تواند باشد و یا به گفته او «غیبت و فرجام آدمی».

۲- در نسبت با فرجام و غایت؛ آغازنده یا نوخاسته بودن[1] - یعنی آنچه هنوز معلوم نیست که جهت آن به سمت این پایان است یا آن پایان:- هنوز بسیاری از احتمالات - البته در حد معقول- امکان‌پذیر است.

۳- دانستن آغاز یک چیز، به معنای جوانی آن است... آغاز چیزی است بی‌واسطه نه امری باز اندیشیده.

۴- آغاز در پایان یک دوره و شروع دوره دیگر در تداوم آن.

1. Being incipient

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

[DOI: https://doi.org/10.22034/priw.16.3.7]

۵- آغاز به عنوان گسستی بر پایان یک دوره و مقطع های آغاز بدون استمرار و توالی تاریخی.

۶- آغاز همان تفکر معطوف به ایده در جستجوی خودآگاهی است. معقولیت کسب آگاهی اجتماعی است. غایت در اجتماع چیست تا آغاز را با توجه به غایت در اجتماع مورد تفکر قرار دهیم.

۷- از نظر گادامر آغاز و انجام به یکی از مهمترین معضلات در تحلیل حیات تاریخی، یعنی مفهوم غایت‌شناسی پی ببریم.

۸- منظور از غایت ، فرجام است؟ نگرشی است در وجودشناسی در نوع زندگی یا ماهیت‌شناسی در نوع زندگی. آغازنده یا نوخاسته بودن[1] را در نوع زندگی با این مشکل معرفت‌شناختی روبروساخت: یعنی آنچه هنوز معلوم نیست که جهت آن به سمت این پایان است یا آن پایان: این پایان با مبدأ تغییر یافت و آن پایان با غایت. نوع زندگی چه باشد؟

۹- مبدا از نظر گادامر ، دانستن آغاز یک چیز، به معنای جوانی آن است... آغاز چیزی است بی واسطه نه امری باز اندیشیده. «گشوده به سمت تجربه‌های واقعی و استوار، تجربه اساسی جوان بودن که هنوز گام های واقعی و قطعی با تردید برداشته می‌شود. پس این آغاز با دو بحث نسبت می‌یافت: مبدأ و غایت در تفکر معطوف به خودآگاهی و فراآمدن ایده.

۱۰- آغازی است در پایان. دایره‌ای است که در متون معرفتی به انتهای دور خود رسیده و دوباره همان نقطه پایانی نقطه آغازین است در فصلی جدید. «هر حرف در ارتباط با پایان یا هدفی سرآغاز نامیده می‌شود. پایان تعیین‌کننده آغاز است. پیش‌بینی پایان، پیش‌نیاز این است که آغاز معنای واقعی پیدا کند... آغاز و انجام ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با هم دارند» (مهرنیا، ۱۳۸۸: ۲۰۳). آیا نقطه پایانی غیبت صغری، نقطه آغازین است در فصلی جدید. «پایان یا هدفی سرآغاز نامیده می‌شود. پایان تعیین‌کننده آغاز است. پیش‌بینی پایان، پیش نیاز این است که آغاز معنای واقعی پیدا کند... آغاز و انجام ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با هم دارند» (مهرنیا، ۱۳۸۸: ۲۰۳).

از آنچه در تفکر گادامر در خاستگاه "آغاز" مورد تفکر قرار گرفته است در کاربست این اندیشه در مسئله نوشتار به‌طور خلاصه این مسئله را می فهمیم که در اندیشه غیبت اجتماع غایتی داشت که مبدأ آن با مسئله غیبت بزرگ روبرو بود. در یک عقیده غیبت بزرگ فلسفه غایت داشت و خودش مبتنی بر یک غایت بود و غایت اجتماع با آن نسبت داشت. در سوی دیگر غیبت کوچک امکان زندگی در غیبت را مهیا کرده بود، اما غیبت بزرگ فصل جدیدی در ابتدای زندگی خود داشت. بر حسب عقیده دیگر نوع زندگی

1. Being incipient

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

[DOI: https://doi.org/10.22034/priw.16.3.7]

در غیبت کوچک و بزرگ تفاوتی نداشت و اما در عقیده دیگر نوع غیبت کوچک تفاوت داشت. در عقیده دیگر غیبت صغری به فرجام رسید یعنی غایتش محقق شد و غیبت بزرگ هنوز نااندیشیده بود. در عقیده دیگر غایت اجتماع با مبدأ دو نوع غیبت گسست و پیوست داشت یا گسست و گسست داشت. در عقیده دیگر آغازنده یعنی امام غائب در فصل جوانی قرار داشت و جوانی بهاری بود که در آغاز غیبت بزرگ این نااندیشیدگی به فرجام و پایان گره نمی‌زد. عقیده دیگر فرجام زندگی تشیع در پایان غیبت صغری بود و دیگر حضور امام به پایان رسید. در واقع آغاز ، با نوع زندگی در دونوع غیبت، فرجام تاریخی و غایت دو نوع غیبت و مبدأ دو نوع غیبت و غایت اجتماع در غیبت بزرگ مورد تفکر قرار گرفته بود. آنچه در زمان غیبت صغری وجود داشت ؟ مبدأ غیبت صغری باشد و نوع دو غیبت تفاوت کند؟ غیبت کوچک و غیبت بزرگ. حیات در دو نوع غیبت مبدأ و غایت داشت. هر آنچه در غیبت صغری به عنوان نوع زندگی جریان داشت در دوران غیبت بزرگ هم همان نوع وجود داشته باشد. غایت غیبت کبری چیست؟ غایب زندگی اجتماعی که غیبت کبری را سبب شده است، چیست؟ در تهاجم فرهنگی به واسطه دین علیه استبدادزدگی و استعمار اندیشه غیبت بر بازسازی و بیداری اسلامی تاکید داشت. سویه دیگر غیبت ، انتظار برای حضور غایب است .انتظار چیست؟ در معانی انتظار آورده‌اند:

طبیعت بدون بهار و فلسفه تولد دوباره، بازگشت، چرخه ادامه حیات که وقتی ما می‌میریم زندگی بدون امام معصوم اما با آرزوی فرج او ادامه دارد، تاثیر انتظار نفس و بدن را خبیث می کند یا بهتر؟ اندیشه مراقبه و تزکیه بهتر است یا اندیشه لذت گرایی یا منفعت طلبی یا اندیشه مادی؟ به عبارتی انتظار برای او تاثیرش چیست؟ تعلق خاطر به حضور امام، دودلی و عدم اتقان و شک تا رسیدن به معنای انتظار، قدر یقینی دانستن انتظار، انتظار و فلسفه انتخاب کدام راه در دین و اجتماع ، جاودانگی در انتظار، رجعت، آزادی حقیقی با داشتن فلسفه انتظار، تلاش برای اجرای عدالت ،اعتقاد به ارزش و امر استعلایی در زندگی، ارتباط مسئله اخلاق با زندگی، نامیرایی و خلود در یار حضرت مهدی شدن،تفکر و تعقل در طبیعت، تاریخ، دین به منظور رسیدن به فلسفه انتظار، ساختن زندگی جهت رسیدن ایام موعود، گزارشی از رویدادها و حوادث انتظار، یادآوری و تذکار حضور امام معصوم (ع)، جهان بینی توحیدی و نگاه به آسمان، جهان و ... در انتظار، به یادآوردن نوعی معرفت است، معرفت‌شناسی این معرفت و تذکار، آغاز انتظار؟ بدایت و عاقبت انتظار؟ فرجام انتظار؟، انتظار و فلسفه برابری، شکل-گیری یک تفکر به عنوان انتظار، انتظار کشیدن برای کمال باشد یا مرگ؟ تجسم و فرآیند مستمر بازرویش، اعتراض به وضع موجود با باور به انتظار، فرارفتن از تجربه زیسته بدن طبیعی، گریزناپذیری حیات محدود و انتظار به عنوان فلسفه

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]
[DOI: https://doi.org/10.22034/priw.16.3.7]

زمانی غایی، هماهنگی و تعادل در میان فکر، عمل، رفتار و روان برای غلبه بر ناامیدی و خودکشی در اثر تحمل رنج و مصیبت، حیرت در انتظار، مقابله با یأس مستولی، زندگی غیرمادی را بهادادن در فلسفه انتظار، جامعه منتظر و همدل و....

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

[DOI: https://doi.org/10.22034/priw.16.3.7]

نتیجه گیری:

اندیشه غیبت در دوران معاصر برای آغاز بدون حضور امام چه مولفه هایی برای مبارزه، مقاومت، زندگی، حیات و فلسفه زندگی، ارزش های اجتماعی و... دارد؟ جامعه مومنان به اندیشه غیبت اعتقاد دارند و ۱۰۰ سال بازاندیشی میراث شیعی با گفتمان مبارزه و مقاومت در برابر استبداد و استعمار و امپریالیسم و ارتجاع در اندیشه غیبت بنیان های اجتماعی و سیاسی حکومت را پی می ریخت.

در آغاز قرن جدید آیا ۱۰۰ سال مبارزه، بازاندیشی، تفکر، استعمار و امپریالیسم و ارتجاع و استبداد را در بقایای اجتماعی حذف و چه الگوی بدیلی را جایگزین کرد؟ هنوز استبدادزدگی در سبک زندگی مسلمان شیعی ایرانی وجود دارد هنوز وجوه واپس گرایانه و ارتجاعی در افکار ما در جامعه وجود دارد. فرهنگ اجتماعی در این ۱۰۰ سال تغییرات زیادی کرد و متفکران زیادی به حلقه اجماع طرد استعمار و استثمار و ارتجاع و امپریالیسم پیوستند. برخی شکل های ترکیبی اندیشه های منفعت طلبانه مادی و سودگرایی، شادی و خوشی هم با پذیرش برخی جنبه های زندگی وارد جامعه شده است. هنوز مسئله، اساس هویت اجتماعی است و استبدادزدگی تفکرات اجتماعی گفتمان مبارزه و مقاومت را در برخی جنبه ها طرد و برخی حوزه ها پذیرش دارد. هویت انسان مسلمان شیعی جدید در تحولات دنیای جدید هنوز مسئله ای است که عقل باید به آن پاسخ دهد و اندیشه غیبت در آغازگاه جدید نیاز به بازاندیشی و تحول دارد. اندیشه غیبت فرجام ندارد غایت دارد فرجام پایان یافتن است اما غایت آن در غیبت کدام است؟ چگونه در این آغازگاه قرن ۱۵ ، ارزش های اجتماعی جامعه را همان ایمان به بهبود اخلاق اجتماعی، فساد کمتر و زندگی مومنانه قرار دهیم؟

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

[DOI: https://doi.org/10.22034/priw.16.3.7]

منابع:

آرکون، محمد (۱۹۹۷)، نزعه الانسان فی الفکر العربی، ترجمه هاشم صالح، دارالساقی.

ابوزید، نصر حامد (۱۳۸۹)، معنای متن: پژوهشی در علوم قرآن، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، تهران: طرح نو.

بوطی، محمد سعید رمضان (۱۳۸۴)، مصلحت و شریعت، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: گام نو.

جابری، محمد (۱۳۸۴)، عقل سیاسی در اسلام، ترجمه عبدالرضا سواری، تهران: گام نو.

جعفریان، رسول (۱۳۸۹)، سیره رسول خدا (ص)، قم: دلیل ما.

خرمیان، جواد (۱۳۸۷)، قواعد عقلی در قلمرو روایات، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.

شریعتی، علی (۱۳۵۷)، امت و امامت، انتشارات قلم.

عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۳)، «مقدمه» در هیوود، اندرو، مقدمه نظریه سیاسی، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: قومس.

عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۲)، روش‌های تحقیق در مطالعات فرهنگی و رسانه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

عاملی، جمال‌الدین مکی (۱۴۰۳)، اللمعه الدمشقیه، قم: دارالهادی.

عنایت، حمید (۱۳۶۲)، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران: خوارزمی.

فوران، جان (۱۳۹۱)، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: خدمات فرهنگی رسا.

فیرحی، داود (۱۳۸۲)، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران: سمت.

فیرحی، داود (۱۳۹۷)، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، تهران: نشر نی.

مهرنیا، حسن (۱۳۸۸)، گادامر و نخستین فیلسوفان یونانی، قم: نصایح.

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۴۰۳۰۵

امیری فرد، پریسا (۱۴۰۳)، «تاثیر اندیشه غیبت بر شکل گیری حکومت در ایران پس از انقلاب» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۴، ش۳، پاییز ۱۴۰۳، صص ۱۲۹-۱۰۹.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

[DOI: https://doi.org/10.22034/priw.16.3.7]